

تحلیل و مقایسه مفاهیم نمادین هندسه به کار رفته در عناصر کالبدی پرستشگاه‌های اسلامی و مسیحی (نمونه موردی: مسجد حکیم و کلیسای وانک در اصفهان)

محیا قوچانی*، نویسنده مسئول، کارشناسی ارشد، مهندسی معماری - معماری، مدرس دانشگاه پیام نور سمنان، سمنان، ایران
محمد عربی، کارشناسی ارشد، مهندسی معماری - معماری، عضو هیأت علمی دانشگاه پیام نور سمنان، سمنان، ایران
نفیسه رستمیان، دانشجو، کارشناسی معماری، دانشگاه پیام نور سمنان، سمنان، ایران

چکیده

در همه‌ی ادیان پرستشگاه‌ها نقش قابل توجهی داشته و با سایر بناها تفاوتی بنیادین دارند. پرستشگاه‌ها به عنوان مکان‌هایی که فرصت می‌دهند تا احساسات و تعلقات و پیوندهای آدمیان، هم در مقیاس فردی و هم در مقیاس اجتماعی به ژرفا برده شوند، قابل توجه می‌باشند. ساختار کالبدی بناهای نیایشی بسیار متأثر از نوع آیین عبادتی است که در آن‌ها برگزار می‌گردد. بنابراین تنوع ادیان به تنوع معماری بناهای مقدس، منتهی می‌شود. وجود عناصر مشابه در معماری ادیان مختلف می‌توان موجب زبان مشترک در هنر مقدس باشد. برای رسیدن به این هدف می‌توان از هندسه و مفاهیم نمادین آن بهره جست. استفاده از ترسیمات هندسی در هنر و معماری ایران سابقه‌ای طولانی دارد. پژوهش حاضر تلاشی در جهت پاسخ به این پرسش است که کلیساهای آرامنه و مساجد مسلمانان در بازه‌ی زمانی صفویه در اصفهان از نظر هندسه و مفاهیم نمادین آن در عناصر کالبدی، چه شباهت‌ها و تفاوت‌هایی دارند؟ بدین منظور با استفاده از روش تحقیق توصیفی-تحلیلی، ابتدا ضمن شناخت هندسه و جایگاه آن در معماری و بیان مفاهیم نمادین آن، به چگونگی تأثیرگذاری حکمت اسلامی و حکمت مسیحیت بر هندسه فضایی پرداخته شده است. سپس با معرفی نمونه‌های موردی، مفاهیم نمادین هندسه در عناصر کالبدی مشترک بین مسجد حکیم و کلیسا وانک که شامل ورودی، گنبدخانه، محراب، ناقوس و مأذنه، پلان و نما می‌باشند، مورد تحلیل و ارزیابی قرار گرفته است. نتایج پژوهش نشان می‌دهد که با توجه به س تفاوت در جزئیات معماری پرستشگاه‌های مسیحی و اسلامی که از بن‌مایه‌های دینی این ادیان است، پهنه جغرافیایی مشترک و همجواری مکانی (قرارگیری مسجد حکیم و کلیسا وانک در اصفهان) و پهنه تاریخی یکسان و همزیستی زمانی (دوره ساخت هر دو بنا در عهد صفویه)، تأثیر بسزایی بر همسانی معماری مقدس در این ادیان داشته است.

واژگان کلیدی: مفاهیم نمادین هندسه، پرستشگاه اسلامی، پرستشگاه مسیحی، مسجد حکیم اصفهان، کلیسا وانک اصفهان

1- مقدمه

انسان همواره در طول تاریخ خود را نیازمند درک هندسه و ریاضی فضا می‌دانسته و از ماحصل این شناخت برای ساختن و آفرینش فضایی شایسته انسان معنوی بهره می‌برده است (اخوت و همکاران، 1387: 15). در کیهان‌شناسی ادیان شرقی به ویژه اسلام معماران اشکال هندسی و ابعاد کیهانی را شرح نموده و آن‌ها را در ساخت معماری مقدس خود تجلی می‌دهند. از این رو یکی از ویژگی‌های هنر اسلامی، بررسی مفاهیم نمادین هندسه عناصر است. نماد ما به ازای چیزی غیر از خودش می‌باشد (الیاده، 1393: 73). حقایق متعالی که قابل انتقال و القا به هیچ طریق دیگری نیستند، هنگامی که با نمادها درمی‌آمیزند تا اندازه‌ای انتقال‌پذیر می‌گردند. نماد دارای بعد معرفت‌بخشی بوده و بیشتر به سرچشمه‌ی معنایی و معنوی توجه دارد. به همین خاطر در نمادگرایی عناصر کالبدی و تزئینی به کار گرفته می‌شوند. (حمزه نژاد و همکاران 1393: 84). معماری ایران که یکی از غنی‌ترین نمونه‌های معماری بومی با دستاوردهای غیرقابل انکار در جهان است، در گذر از دوران اسلامی به یکی از نمونه‌های موفق معماری مفهومی و معناگرا تبدیل شده است. در عین حال تأثیر کالبد و فرم معماری به عنوان ظرف مکانی که معلولی از فرهنگ جامعه است در بازشناسی این مفاهیم و معانی تأثیر بسزایی داشته است. در این راستا مسجد به عنوان با اهمیت‌ترین فضای معماری ایرانی اسلامی، همواره نقش بسیار پررنگی را در شکل‌گیری و روند توسعه‌ی معماری بومی بر عهده داشته است.

اولین جایگاه تجلی هنر ایرانی- اسلامی در معماری مساجد است که فضا و مکانی برای ارتباط نورالنوار می‌باشد (بمانیان و نیکودل، 1393: 61). معماران در ساختن مساجد که نماد معماری مذهبی است، علاوه بر استفاده مادی از نور، مفهوم نمادی اعتقادی آن را نیز لحاظ کردند (بمانیان و نیکودل، 1393: 61). در این میان از مسجد حکیم کمتر سخن به میان رفته در حالی که آثار زیبای نهفته در آن نه تنها مبین معماری دقیق و هنرمندانه دوره‌ی صفویه است بلکه عناصر دینی به‌کار گرفته در آن، به دلیل عنایت به مذهب تشیع، جایگاه ویژه‌ای را برای آن رقم زده است (زمرشیدی، 1394: 104). کلیسا مکانی است که به انسان فرصت می‌دهد تا احساسات، عواطف، تعلقات و پیوندهای معنوی خود را، در مقیاس فردی و اجتماعی، آشکار کند. کلیسا از شاخصه‌های خاص ساختمان- سازی است که با آداب مذهبی، اعتقادات، حسن سلیقه و هنروری مردم، ملیت‌ها، نوع اقلیم، خصوصیات فطری و اجتماعی هر سامانه ارتباطی عمیق داشته است. یکی از کلیساهای با شکوه و دیرینه ایران که پس از چند قرن در شهر اصفهان پا برجا است و شکوه عظمت خود را همچنان حفظ کرده است، کلیسای وانک واقع در مجموعه آمانا پرگیج است که جلوه‌ای از هنر و معماری آرامنه اصفهان به شمار می‌رود. این کلیسا با وجود برخی تغییرات و الحاقات در دوره‌های مختلف، هنوز انسجام خود را حفظ کرده است (رحیمی و همکاران، 1394: 13).

تاریخ معماری اصفهان در ادوار گذشته همانند دیگر نقاط کشور، بومی و مورد توجه بوده است. اصفهان را می‌توان بر ذوق و شوق‌ترین محفل هنر دوستان نامید. ادوار تاریخی یادگارهای معماری زیادی را در شهر اصفهان برجای گذاشته است که هر کدام به نوبه‌ی خود قابل بحث و بررسی می‌باشند. با توجه به اهمیت مفاهیم نمادین هندسه در مساجد و کلیساها، این پژوهش بر آن است تا با بررسی عناصر موجود در مسجد حکیم و کلیسا وانک مفاهیم نمادین آن‌ها را بدست آورده و به مقایسه‌ی آن‌ها بپردازد. سوالی که مطرح است این است که با توجه به اینکه مسجد حکیم و کلیسای وانک مربوط به دوره‌ی صفوی هستند و در شهر اصفهان قرار دارند، آیا مفاهیم نمادین هندسه عناصر در این دو نمونه موردی با هم متفاوت است؟ و آیا دوره‌ی ساخت و منطقه‌ی یکسان، تأثیری در نمود باورهای دینی این دو بنا داشته است؟ برای پاسخ به این پرسش‌ها، پژوهش حاضر اهداف زیر را دنبال می‌کند: 1- شناخت عناصر کالبدی مسجد حکیم، 2- شناخت عناصر کالبدی کلیسا وانک، 3- مقایسه‌ی مفاهیم نمادین هندسه در مسجد حکیم و کلیسا وانک.

2- پیشینه پژوهش

علم هندسه در معماری، همواره موضوعی جذاب برای تحقیق بوده است. پژوهش‌های متعددی در خصوص روش‌های استفاده از ابزار کارآمد در فن معماری به انجام رسیده است که به برخی از آن‌ها اشاره می‌کنیم. پوراحمدی در مقاله‌ای تحت عنوان "هندسه در گنبد آرامگاه شیخ زاهد گیلانی"، به منظور پی بردن به نحوه‌ی تعیین شکل گنبد توسط طراح آن از میان عوامل تأثیرگذار بر شکل این گنبد، هندسه‌ی پنهان آن را مورد بررسی قرار داده است. در این مقاله به کمک تحلیل هندسی روشن شد که در طرح گنبد این بنا، روابط هندسی ویژه‌ای وجود دارد. (پوراحمدی، 1389). نویسندگان در مقاله‌ای تحت عنوان "به‌کارگیری مثلث‌های هنجار در محاسبات ریاضی و پیاده‌سازی هندسه در ساخت و اجرای معماری سنتی ایران"، بیان کرده‌اند که در گذشته پیاده‌سازی فرم و اندازه‌های ساختمان با استفاده از دانش هندسه انجام می‌گرفت که خود بنیان کنترل ساختمان از لحاظ زیبایی و ایستایی است. در این مقاله جایگاه هندسه در نزد معماران و هنرمندان بررسی شد و نتیجه گرفته شد که معماران گذشته با آشنایی به دانش هندسه و نیز توانمندی عملی کردن روابط هندسی در پی همخوان کردن روش‌های هندسه نظری با ابزار های خود بودند (مهدی‌زاده سراج و همکاران، 1390). در مقاله‌ای دیگر با عنوان "استفاده از نسبت طلایی در مسجد بزرگ قیروان"، نویسندگان به تحلیل هندسی ساختمان این مسجد تاریخی در کشور تونس پرداخته‌اند. تحلیل هندسه ساختمان این مسجد، استفاده مداوم از نسبت طلایی در بنا را نشان می‌دهد. به نظر می‌رسد روش‌های هندسی- ترسیمی ساخت نسبت طلایی، مبنای مهمترین تصمیمات در سازمان‌دهی فضایی بنا بوده است. (Boussora and Mazouz, 2004: 10).

در ارتباط با تاریخ شهر اصفهان پژوهش‌های بسیاری انجام شده است. اصفهان به لحاظ ویژگی‌هایی منحصر به فرد، همواره مورد توجه ایران‌شناسان، مورخان، جغرافی‌دانان، شهرسازان، اقتصاددانان و سیاحان بوده است. آثار معماری اصفهان با روش‌های گوناگونی مورد ارزیابی و معرفی قرار گرفته‌اند. بازخوانی تاریخ صفویان آشکار می‌سازد که علی‌رغم جنگ‌های متعدد داخلی و خارجی، این دوره را می‌توان از نظر سیاسی و اجتماعی، یکی از بهترین ادوار تاریخ دوره اسلامی ایران به خصوص اصفهان (پایتخت صفویان) برشمرد. بر اثر توجه پادشاهان صفوی و خلاقیت معماران، مکتب اصفهان شکل گرفت که باعث تمایز میان این مکتب با معماری ادوار گذشته می‌شد. به عبارت بهتر، در این دوره معماری از یک امر ارگانیک که صرفاً براساس نیازهای طبیعی شکل می‌گرفت به معماری خردگرا تبدیل شد که واجد ارزش‌های فلسفی، هنری و فنی است (طیسی و فاضل‌نسب، 1391: 82).

کلیساها توسط پژوهشگران خارجی و ایرانی، همواره مورد توجه بوده (شریف‌شهدی و پورجعفر، 1388؛ هویان، 1383 و ...). و در برخی از منابع تاریخچه و برخی ویژگی‌های فضایی و کارکردی کلیساهای اصفهان و ویژگی‌های کلی و نقاشی‌های دیوار کلیسای وانک بیان شده است. (حق نظریان، 1385؛ هویان، 1384؛ شاهن، 1386؛ درآونسیان، 1388). مطالعات در مورد مساجد، اهمیت و کاربرد و قدمت آن‌ها در دوره‌های مختلف، بستری را برای موضوعات و پژوهش‌های متنوع مهیا

نموده است. (Daneshmir, 2012; Alice Sabrina et al, 2010; Wiryomartono, 2009; Verkaaik, 2012; صارمی و همکاران, 1395؛ سعادت جو و همکاران, 1392؛ حمزه‌نژاد و عربی, 1393؛ محمدیان‌منصور, 1386؛ تقوایی و معروفی, 1389؛ معتمدی شفیق و ذولفقارزاده, 1394 و ...). با وجود اینکه تحقیقاتی در مورد عبادتگاه‌های ادیان مختلف خصوصاً مسلمانان در ایران انجام شده است، هنوز نواقص و کم و کاستی‌های فراوانی در راه معرفی این اماکن خصوصاً در ادیان دیگر وجود دارد. تیتوس بوركهارت در کتاب میانی هنر مسیحی ترجمه امیر نصر (1390) در مورد شقوق هنر مسیحیت و اسلام اظهار نظر کرده و هنر دینی به صورت منفک و در بستر زمانی و مکانی خود بررسی شده است. مطالعاتی در زمینه مقایسه عبادتگاه‌های اسلامی و مسیحی صورت گرفته که به برخی از آن‌ها اشاره می‌کنیم: فتحی‌آذر و حمزه‌نژاد, 1393 در مقاله خود با عنوان معناشناسی محور در مسجد و کلیسا، در پی آشکار ساختن عوامل و معانی مؤثر بر محوربندی معابد اسلامی و مسیحی هستند. پهلوان‌زاده, 1391 در پژوهش خود علاوه بر شرح چگونگی شکل‌گیری و تأثیر آن در الگوی مساجد به بررسی تفاوت‌ها و شباهت‌های آن با سایر ادیان نظیر کنیساها و کلیساها پرداخته‌اند. یزدانی و همکاران, 1393 در مقاله خود با عنوان مقایسه تطبیقی کاربرد نور در مساجد و کلیساهای گوتیکی، به بررسی مفهوم و جایگاه نور در ادیان اسلام و مسیحیت پرداخته‌اند و با تحلیل نقشه‌ها و شیوه معماری آن‌ها در نحوه انتقال نور طبیعی به فضا و اهمیت و تأکید معماران در استفاده از نور طبیعی در این اماکن را بیان کرده‌اند. نویسندگان مقاله مقایسه معماری و هنر اسلامی با معماری و هنر مسیحیت با تأکید بر مسجد و کلیسا، معماری و روند طراحی، نور، رنگ، تزئینات و اعتقادات را در مساجد و کلیساها مورد بررسی قرار دادند و نتیجه گرفتند تفاوت‌های وجود دارد که ریشه در اعتقادات و سنت‌ها است و در کلیا به صورت اغراق‌آمیزی به کار رفته در حالی که در مسجد با سادگی بیشتری به چشم می‌خورد اما هر دو بنا یک هدف مشترک یعنی رسیدن به درگاه ایزد منان را دنبال می‌کنند (محمدی و عسگری, 1394). در مورد مقایسه هندسه مساجد با کلیساها و بیان مفاهیم نمادین آن، پژوهشی صورت نگرفته است. به همین منظور پژوهش حاضر از نظر مطالعاتی، نوین و ارائه دهنده نتایج جدیدی می‌باشد.

3- روش پژوهش

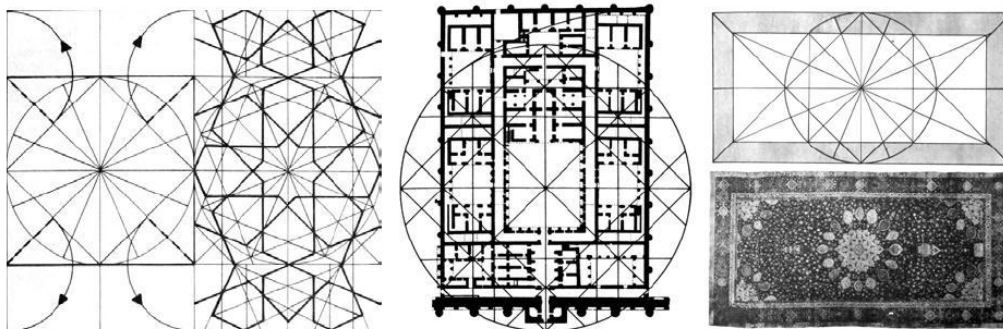
از آنجا که این تحقیق تلاشی برای معناکاوای مفاهیم نمادین هندسه مساجد و کلیساها و مقایسه آن‌ها می‌باشد با بهره‌گیری از تحقیقات انجام شده، ابتدایه چارچوب نظری در باب تعریف هندسه و جایگاه آن در معماری و مفاهیم نمادین هندسه و چگونگی تأثیرگذاری حکمت اسلامی و حکمت مسیحیت بر هندسه فضایی پرداخته شده است. سپس به بررسی و شناخت نمونه‌های موردی (مسجد حکیم و کلیسای وانک) پرداخته و مقایسه مسجد و کلیسا از ابعاد مختلف کالبدی تحلیل شده است. در آخر مفاهیم نمادین هندسه اجزای کالبدی این دو بنا مورد ارزیابی و مقایسه قرار گرفته‌اند. این پژوهش بر پایه روش کیفی و بر استدلال منطقی استوار است و روش تحلیل داده‌ها، دستور زبان شکل است. مطالعه اسنادی و کتابخانه‌ای نیز بیان تحلیل و توصیف مطالب این پژوهش می‌باشد. برای بررسی فرآیند لازم بود نمونه‌های موردی مورد نظر با شیوه‌ای کارآمد انتخاب شوند تا بتوانند مصداق موفقی در زمینه بررسی فضاها در جهت بیان مفاهیم نمادین هندسه، محسوب گردند. معیار انتخاب نمونه‌ها در پژوهش حاضر به این صورت است: الف) هر دو بنا در یک شهر قرار گرفته‌اند تا از نظر فرهنگ و اقلیم دارای وجه اشتراک باشند. ب) هر دو بنا در یک دوره‌ی زمانی ساخته شده باشند تا اصول و شیوه‌ی ساخت مشترک باشد. بنابراین مسجد حکیم و کلیسای وانک در اصفهان (دوره صفویه) به عنوان نمونه موردی برای تحلیل و مقایسه مفاهیم نمادین هندسه عناصر کالبدی پرستشگاه‌های اسلامی و مسیحی، انتخاب شده و مورد ارزیابی قرار گرفتند.

4- شناخت مفهوم هندسه

هندسه معرب کلمه اندازه است و به دانشی اطلاق می‌شود که رابطه‌ی ریاضی ما بین نقاط، طول‌ها، سطوح و حجم‌ها را تعیین می‌کند و نسبت‌های میان آن‌ها، مشتقات و توابع‌شان را نشان می‌دهند. کلمه‌ی هندسه در زبان اروپایی ریشه‌ی یونانی دارد و به معنای مساحتی است (مولوی و قاسم‌زاده, 1381: 12). هندسه ابزاری مناسب جهت نظم بخشیدن به معماری و برقراری روابط آگاهانه میان اجزای بنا با یکدیگر است تا در عین مرکب بودن، یکپارچگی فضا را به عنوان یک ترکیب خلاق و هدفمند میسر سازد. اشراف معمار به علم هندسه و استفاده‌ی خلاقانه از آن، تبدیل مفهوم به فضا و فرم را در فرآیند طراحی تسهیل می‌کند. حاصل چنین فرآیندی، نوعی معماری است که به دور از برداشته‌های سلیقه‌ای، به لحاظ نظم و تناسب قابل درک است. طراحی معماری در غالب هندسه نمود پیدا می‌کند. عالی‌ترین نوع استفاده از هندسه را در معماری ایرانی دوره اسلامی می‌توان مشاهده کرد. معمار مسلمان ایرانی، با استفاده به جا و نوآورانه از این ابزار، زیبایی و سودمندی بنا را تضمین کرده است و به شکلی بدیع، مفهوم کثرت در عین وحدت را که همانا ریشه در چکیده‌ی تعالیم اسلام یعنی اعتقاد به توحید دارد را، تجسم بخشیده و نتیجه‌ی آن، هم‌نواپی اجزاء، تناسب، نظم و هماهنگی کل بنا است.

4-1- جایگاه هندسه در معماری

تأکید معماری ایرانی بر زیبایی متمرکز بوده و علم هندسه ابزار قدرت‌مندی که معمار ایرانی را قادر به اندازه‌گیری تناسب فضایی و خلق توازن، نظم و زیبایی در زمین کرده است. از آنجا که هدف معماری به تصرف در آوردن روح و عقل بود، هندسه ابزاری در دست معماران ایرانی شد تا به وسیله آن اشکالی از گیاهان و جانوران را که در ذات خود مقدس بودند، توسعه بدهند (سیلواپه و همکاران, 1391: 57). در بنای تاریخی معماری، تمام اندازه‌ها در کمال خود (ارتفاع، طول و عرض) و در اجزای ترکیب‌کننده آن شامل الگوهای هندسی سطحی) وابسته به هم بوده و هرگز از هندسه جدا نبوده‌اند. به این شکل، هنر هندسه کلید اساسی برای ایجاد ارتباط بین ساختمان و انگاره‌ها است که سازنده در ذهن خود دارد (خوارزمی و افهمی, 1389: 10). به عبارت دیگر هندسه بخشی از تجلی مفهوم زیبایی در معماری ایرانی بوده است. در هنر اسلامی تمامیت کائنات به وسیله هندسه، اعداد و الفبا قابل درک می‌شود (Akkach, 2005).



تصویر 1: نقش هندسه در معماری، مأخذ: (رضازاده اردبیلی و ثابت‌فرد، 1392: 30)

4-2- مفاهیم نمادین هندسه در معماری

مورد بسیار مهم در درک معماری شرق ایران و تمدن‌های زیر پوشش فلسفه و فرهنگ اسلامی، نحوه برخورد با مقوله‌ی هندسه در بیان افکار و اندیشه‌ها است. بدون شک زبان بیان معماری‌های جهان بر هندسه استوار است و از طریق روابط آن می‌توان کلیت کالبدی را آشکار کرد. هندسه از مهم‌ترین زمینه‌های شکل‌گیری معماری اسلامی است. اعداد از جزئیات بسیار مهم در هندسه و یکی از جلوه‌های نمادپردازی در میان اقوام گوناگون، مفاهیم نمادین و متفاوتی دارد. در هندسه این سرزمین بحث علم و رشد ریاضی اعداد و ترکیبات پیچیده جبر همراه با حس شهودی بوده است. این دو که تکمیل‌کننده‌ی آثار هنری محسوب می‌شوند، جدایی‌ناپذیری هنر (حس) و علم (عقل) را در تمدن‌های غنی و در جهان اسلام نشان می‌دهند. هندسه در ترکیبات عالی خود از روش همدلی و ارتباط بهره‌مند است و پژوهش‌های شکلی، گاه به صورت اشکال پنهان حضور خود را مشخص و آشکار کرده‌اند (قوچانی، 1396: 4).

هندسه از نظر شکل و فرم ساده ولی از جهت معنا و مضمون به سختی قابل شناخت است. برای نمونه، مثلث علاوه بر شکل سه ضلعی، آغاز آفرینش و نماد زوال از آسمان و هبوط انسان به زمین است. مربع نماد انسان و طبیعت و دایره نماد الهی و آسمانی و زاینده است. به همین دلیل، هنرمند مسلمان همه‌ی شکل‌های هندسی وابسته به تقسیمات مثلثات، مربع و دایره را بررسی کرده و در نظر آورده است. توسعه الگوهای هندسی در اسلام با ترجمه متون از یونانی و سانسکریت آغاز شد. البته این امر در حدود سه قرن پس از ظهور اسلام صورت گرفت و می‌توان گفت شاهد رشد و توسعه هندسه در بناها از اوایل قرن هفتم تا اواخر قرن نهم میلادی هستیم که اولین نمونه‌های چیدمان هندسی بناها در ممالک اسلامی به وجود آمد (Abdullahi & Bin Embi, 2013). عمق زیبایی هندسه را می‌توانیم در این جمله خلاصه کنیم: پیچیدگی در کثرت در قابلیت‌های ترکیبی پنهان و بازگشت به وحدت و مرکزیت صورت گسترده.

4-2-1- رمز هندسی دایره: دایره از گستردگی نقاط حاصل می‌شود. نقطه نخستین واحد است که از آن خط، از خط سطح و از سطح حجم حاصل می‌شود. در واقع اعتقاد به مبنای مشترک اجزایی است که هماهنگ با یکدیگر از یک سرآغاز نشأت می‌گیرند که در مرکز قرار دارد و نقاط منبعث از آن همسو با هم در این نقطه مرکزی به اوج می‌رسند. همان‌گونه که بورهات اشاره دارد دایره، خود نقطه‌ای است گسترش یافته و نقطه، رمز مطلق یا جوهر اعلی است. این شکل هندسی در نگرش دانشمندان مسلمان جایگاهی ویژه دارد. هم در رساله فارابی و هم در رساله بوزجانی (ریاضیدان برجسته قرن چهارم) دایره که حجم‌های کروی و حرکات اجرام آسمانی بر طبق آن است، منزلتی خاص دارد و در رساله بوزجانی برای ترسیم همه چند ضلعی‌های منتظم مسطحه از آن استفاده شده است. فاصله‌های بعد زمانی و مکانی در این اشکال با کیفیت حاکم بر استواری نقوش بر مبنای حق و همگرایی در مرکزیت صف که به خداوند منتهی می‌شود، نشان‌دهنده‌ی تکرار خلقت به وحدت است (قراگوزلو و حاتم، 1393: 46).

4-2-2- رمز هندسی مثلث: زمانی که سه دایره در خارجی‌ترین نقاط خود با یکدیگر مماس شوند، اولین چند ضلعی یعنی مثلث بوجود می‌آید. بلخاری ابن سینا معتقد است چهار عنصر سطوح را می‌سازند که الزاماً باید مستقیم باشند و چون ساده‌ترین شکل‌ها مثلث است، پس همه اجسام از مثلث ساخته می‌شوند. آتش به شکل هرمی است که قاعده مثلث و هوا از هشت قاعده مثلث و خاک مکعبی است که از سطوح مربع ساخته می‌شود. مثلث رمز مراتب سه گانه نفس اماره، لوازمه و مطمئن به شمار می‌آید و انسان‌ها برای رسیدن به کمال باید این سه مرحله اساسی را پشت سر بگذارند. مثلث بیانگر سه جهان علوی، دنیوی و دوزخی است و با تقسیم سه گانه انسان، روح، نفس و بدن تطابق دارد (همان).

4-2-3- رمز هندسی مربع: مربع از مهم‌ترین اشکال هندسی است و به عنوان یکی از عمده‌ترین صورت‌های رمزی شناخته شده است. مربع شکلی است ایستا و با ثبات با اضلاع و زوایایی برابر که احساسی از سکون، استحکام، حصار، کمال و استقرار را برمی‌انگیزاند. مربع یکی از ایستاترین شکل‌ها و نماینده متسجم‌ترین و با ثبات‌ترین جنبه خلقت است. مربع شکلی متعادل است که از ترکیب خطوط عمودی و افقی یک اندازه حاصل می‌شود. مربع مصداق صوری عدد چهار، یکی از کامل‌ترین ارقام است. بنابر هندسه اقلیدس، رقم کمال الهی و تکمیل تجلی است. چهار در حد صورتی ایستا، مربع می‌گردد. مربع به مفاهیم زیر اشاره دارد: رمز عرش الهی و حاملان آن، رمز مراتب چهارگانه اعداد، صور جسمی و طبیعی و عنصری از انسان، فرشتگان چهارگانه، اوتاد چهارگانه، مرگ‌های چهارگانه، عناصر اربعه، طبایع چهارگانه و عرش الهی (همان: 47).

4-3- چگونگی تأثیرگذاری حکمت اسلامی و حکمت مسیحیت بر هندسه فضایی

مسجد در اسلام و کلیسا در مسیحیت، قطب‌های مهم مذهبی - اجتماعی انسان‌ها در طول دوره‌های مختلف محسوب می‌شدند و همواره پناهگاه روحی و معنوی مردم به‌شمار می‌رفتند. بنابراین به معماری چنین فضاهایی توجه می‌شد و معمولاً از لحاظ زیبایی بصری و هندسه‌ی فضایی در مقایسه با سایر بناها در سطح شهر، بی‌نظیر و شاخص بودند. جهت بررسی چگونگی تأثیرپذیری هندسه ساختاری مساجد و کلیساها از حکمت‌های دینی به تنظیم جدول در این مورد می‌پردازیم و دیدگاه دو حکمت را با یکدیگر مقایسه می‌کنیم که به شرح زیر است:

جدول 1: شناخت مفهوم هندسه و فضای معماری از دیدگاه حکمت اسلامی و مسیحی، منبع: (اخوت و همکاران، 1387: 16)

مفهوم هندسه و فضای معماری از دیدگاه حکمت اسلامی	مفهوم هندسه و فضای معماری از دیدگاه حکمت مسیحی
اصل ارزش‌گذاری یکسان فضاها	اصل وحدانیت و حاکمیت کلیسا
همه انواع هندسه‌ها و فضاها از منظر وجودی زیبا و خیر و حق می‌باشند و در ابتدا ارزش‌گذاری نمی‌شوند.	در حکمت مسیحیت کلیسا واحد می‌باشد زیرا توسط روح‌القدس در عیسی جمع شده و به سوی پدر گام برمی‌دارد.
اصل تنوع	اصل تنوع در هندسه فضاها به علت متنوع بودن نیازهای انسان
طراحی هندسه فضا باید متناسب با نیازهای انسان انجام گیرد نه مستقل و خودبنیاد و از آنجا که نیازهای انسان متنوع می‌باشد، انتخاب هندسه یک مجموعه شهری باید متنوع باشد.	
اصل حرکت از کثرت به وحدت از برون به درون	اصل حرکت از کثرت به مکان تقدیس و تعالی
از منظر اسلامی چون حیات مادی انسان بستر حیات روحی اوست بنابراین هندسه، سیر آفاقی (انسان و نقطه دید متحرک) باید بستر هندسه سیر انفسی (انسان و نقطه دید ثابت) را فراهم کند.	فضای داخلی کلیسا مکان تعالی است و خالی از هر شی و از هر پدیده‌ای که بتواند به‌گونه‌ای میان مؤمنان و کسی که رابط میان اینان و مسیح است، قرار گیرد و جهان مادی را سد خلوص و تعمق کند.
اصل عدالت	اصل کمال و تقارن کلیسا
هر چیز در جای خود متناسب خودش و در یک جریان قانونمند مناسب قرار گرفته است.	کلیسا اجتماعی است که در آن خدا عمل می‌کند و چون خدا کامل است، پس کلیسا تقارن کامل دارد.
اصل شفافیت	اصل کمرنگ کردن رابطه‌ی بصری با جهان مادی جهت تقویت خلوص و تعمق
تفکر و تعمق و عبادت به منظور رسیدن به اصل خویش و یافتن طمأنینه‌ی خاطر و آرامش در درون به هندسه‌ای موزون و متعالی می‌انجامد. اصلی‌ترین دید انسان را دید معنوی و باطنی او می‌دهند و به این ترتیب شفافیت در نزد آنان، امکان نفوذ از ظاهر به باطن می‌باشد.	
اصل تقدم محور عرضی نسبت به محور طولی در مسجد	اصل تقدم محور طولی نسبت به محور عرضی در کلیسا
مسجد در حکمت اسلامی دارای کانون مقدس در درونش نیست و محراب آن تنها برای نشان دادن جهت قبله و حفظ امام است که در پیشاپیش مؤمنان می‌ایستد. صف مؤمنان در هنگام نماز عرضی است.	در حکمت مسیحیت کلیسا دارای یک کانون برای تشریفات عشا‌ی ربانی است که همان محراب باشد که همه چیز به آن سمت رو دارد.
اصل تعامل متناسب صورت با معنا	اصل تسلط ماده و کالبد بر روح و مفهوم
اصل نوآوری در هندسه فضا و پرهیز از شباهت ظاهری	اصل نوآوری، ابتکار و حرکت در راستای زمان.

5- شناخت نمونه‌های موردی

جهت مطالعه‌ی هندسه فضایی در مسجد و کلیسا و بررسی مفاهیم نمادین آن، دو نمونه‌ی مسجد حکیم و کلیسای وانک اصفهان انتخاب شده است. دلیل انتخاب این دو مجموعه از این جهت بوده که این دو بنا به لحاظ ارتباطات فضا، هندسه فضا، کارکرد مجموعه و زمان ساخت در وضعیت مشابهی نسبت به هم قرار دارند.

5-1- مسجد حکیم اصفهان

مسجد حکیم به دلیل آثار زیبای نهفته در آن، نه تنها مبین معماری دقیق و هنرمندانه‌ی دوره‌ی صفوی است، بلکه عناصر دینی به‌کار رفته در آن به دلیل عنایت به مذهب تشیع، جایگاه ویژه‌ای را برای آن رقم زده است. این بنا در محله‌ی قدیمی اصفهان، معروف به باب‌الدشت در انتهای بازار زرگران واقع است. با توجه به منابع تاریخی و شواهد به جای مانده این مسجد در محل مسجد قدیمی به جا مانده از زمان آلبویه معروف به جورجیر که توسط صاحب بن عباد وزیر ساخته شده بود، بنا گردیده است. بنای مسجد حکیم دارای سردر شمالی، سردر شرقی، صحن بزرگ، شبستان زیر گنبد، شبستان جنوب شرقی، شبستان جنوب غربی، شبستان زمستانی، محراب‌های هر یک از شبستان‌ها، منبر، ایوان شمالی، ایوان شرقی، ایوان غربی و نماهای خارجی آن‌ها است که عموماً از تزیینات و کاشیکاری زیبا و نفیس برخوردارند (زمرشیدی، 1390: 104).

5-2- کلیسا وانک اصفهان

یکی از کلیساهای با شکوه و دیرینه ایران که پس از چند قرن در شهر اصفهان پا برجا است و شکوه و عظمت خود را همچنان حفظ کرده است، کلیسای وانک در مجموعه آنا پرگیچ است. مجموعه مذهبی کلیسای سورپ آنا پرگیچ در میدان بزرگ جلفای نو و در دل بافت شهر جای گرفته است. در زمان ساخت بنا در دوره صفویه، در جنوب اصفهان، بر روی محور چهارباغ تا هزارجریب باغات و کاخ‌هایی بنا شده بود که امروزه غالباً از آن‌ها تنها اسمی به‌جای مانده است. طبق تاریخ شفاهی ارامنه، کلیسا در باغی وسیع قرار داشته است. با توجه به اسناد تاریخی، احتمالاً اطراف کلیسا در زمان صفویه باز و فضای سبز بوده است (حق‌نظریان، 1385: 11). در حال حاضر کلیسای وانک در مجموعه‌ای شامل چاپخانه جدید، کتابخانه و فضای اداری خدماتی، اتاق اسقف، ساختمان موزه، بنای یادبود و برج ناقوس بنا گشته است. این مجموعه با طرح اولیه‌ی خود در عصر صفوی بسیار متفاوت است. کلیسای واقع در این مجموعه بر روی آثار باقی مانده عبادتگاهی که در سال (1117 ه. ق) در زمان مهاجرت اولیه ارامنه ساخته شده بود، با حمایت اسقف داوید بنا گردیده و به یادبود کلیسایی که در جلفای قدیم بود، نام آن را به خود گرفت. کلیسای وانک در زمان کوتاهی مقام مرکزیت دینی را بدست آورد.

جدول 2: انتظام فضایی در مسجد حکیم و کلیسا وانک، منبع: نگارندگان

انتظام فضایی	محور اصلی بنا	پلان

6- تحلیل و مقایسه مفاهیم نمادین هندسه در مسجد و کلیسا

پرستشگاه‌ها علاوه بر آنکه دارای ویژگی‌های عملکردی و سازه‌ای هستند، معانی و مفاهیم در آن‌ها به شیوه‌های متعددی جلوه‌گر می‌شود. یکی از این شیوه‌ها به کارگیری نماد و نشانه‌ها می‌باشد که می‌تواند در هندسه بنا تجلی یابد. هنر و معماری سنتی مبتنی بر تناظر میان عالم و آدم است. در ذهن انسان سنتی، نسبت‌ها و مفاهیم انسانی چنان بسط می‌یابند که دامنه‌ی وسیع کیهان را در برمی‌گیرد و به نوعی این کیهان، مفهومی انسانی پیدا می‌کند. اشتراک وسیع از جهان بینی سنتی از همین تناظر میان مفاهیم کیهانی و سخن از تناسبات انسانی است (بمانیان و همکاران، 1389: 11). از بین بعدها در فضا، ارتفاع بیشترین تأثیر را در مقیاس می‌گذارد. ارتفاع سقف، تعیین‌کننده‌ی میزان دعوت‌کنندگی، کیفیت پناه دادن، زیبایی، شکوه یا صلابت و سادگی آن است. مقیاس عمومی و کلی در معماری، نسبت اندازه‌ی یک قسمت بنا به اندازه‌ی سایر فرم‌های پیرامونش بستگی دارد (حمزه‌نژاد و رهروی پوده، 1395: 26).

6-1- ورودی: آستانه، مرزی است که در آن گذر از جهانی به جهانی دیگر امکان‌پذیر می‌شود. در مسیحیت در ورودی، تمثالی از دروازه خورشید است. کلیه‌ی کلیساها دارای چند ورودی به محوطه است که جبهه شرق مسدود و فقط گاه در این جبهه پنجره‌ای با استعاره عیسی مسیح (ع) تعبیه شده است. به دلیل اهمیت محور شرق-غرب، ورودی اصلی بنای صومعه‌ها در جبهه غرب بوده است. در مساجد محدودیتی در محل تعبیه درهای ورودی به محوطه وجود ندارد، لیکن در اکثر موارد ورودی‌ها در جبهه شمال و در بازه‌ی شمال شرقی تا شمال غربی قرار داشته‌اند. با توجه به اهمیت بدنه شهری در مساجد، چرخش نسبت به قبله دور از انتظار نیست. در کلیه بناها، ورودی دارای سردر و تزیینات (حتی به مقدار اندک) است و تناسبات این سردرها با توجه به اهمیت بنا در نزد عامه مردم متفاوت می‌شود (خاکپور و کاتب، 1395: 61).

6-1-1- مفاهیم نمادین هندسه ورودی مسجد حکیم

شکل کلی این سردر از حجم مستطیل گرفته شده است. نماد این مستطیل با توجه به اینکه 4 ضلع دارد و 4 عدد کاملی است، نمادی از منطق و استواری می‌باشد. نوعی نظم در این شکل وجود دارد. برخی رسم این شکل را نماد قدرت تصمیم‌گیری فرد می‌دانند. در این مستطیل تناسبات طلایی هم حفظ شده است پس می‌توان آن را مستطیل طلایی نامید. در حجم مستطیل، تورفتگی و بیرون‌آمدگی زیادی وجود دارد که برای نشان دادن حس عظمت و بزرگی ورودی می‌باشد. هندسه آجرکاری‌های به‌کار رفته در آن نمادی از مراتب کمال و تعالی و چرخه‌ی حیات شامل آغاز، میان و پایان است. ورودی از چند شکل تشکیل شده است که این خود نمادی از صلابت است. قوس بالای در ورودی القاکننده‌ی آرامش است و نمادی از فرهنگ و هنر اسلامی مسجدها است و بنا را در برابر نیروهای وارده مقاوم می‌کند، بنابراین نمادی از سختی و مقاومت است. محور فرضی افقی ترسیم قوس در اینجا به عنوان یک خط اصلی کشیده شده است که تیزه را از پاکار جدا کرده است که این خود نمادی از حس تمایز است. در قسمت بالای آن چهار باهو (شش ضلعی) قرار دارد که نمادی از نعمت‌رسانی، کامل بودن عالم طبیعت، منجی موعود، زندگی جاودانی و طلسم باطل‌کننده‌ی چشم زخم و انسان کامل است (طهوری، 1391: 35). شکنج‌های 11 پر ایجاد شده در قوس بالای ورودی نمادی از فشار و تلاش در جهت آشتی دادن وجوه متباین امور است. این 11 پر که جزئی از اشکال کروی هستند، در واقع به گونه‌ای منظم قرار گرفته‌اند که حس حرکت را می‌دهند و نمادی از بی‌پایانی و حرکت اجسام سماوی در حول محوری دوار و سیار و نیز نمادی از جهان معنوی و متعال است.

6-1-2- مفاهیم نمادین هندسه ورودی کلیسا وانک

اولین چیزی که در نما توجه چشم را به خود جلب می‌کند، این است که کل دیوار ورودی اصلی دارای تناسب مستطیل شکل است. در یک تقسیم‌بندی می‌توان آن را تشکیل شده از دو مستطیل دانست که با هم تقارن دارند. در واقع تقسیم‌بندی سطح دیوار ورودی از مستطیل‌های کوچکتری تشکیل شده است که با هم اختلاف سطح دارند ولی تقارن حفظ شده است. استفاده از اشکال و نقوش تراز مانند در نمای ورودی اصلی نماد دادگستری در ایران باستان است و تأکید در به کارگیری قسط دارد. دو مستطیل که در تقارن مستطیل اصلی قرار دارند، دارای 4 ضلع می‌باشند که بیانگر 4 عنصر آب، خاک، هوا و آتش است. یا 4 جهت اصلی شمال، جنوب، شرق و غرب. یا 4 فصل یا 4 مرحله از زندگی از کودکی تا جوانی، میانسالی و پیری. عدد 4 یک عدد کامل است و نماد کلیت، تمامیت، کمال و یکپارچگی است. حتی در جزئیات ورودی تقارن حفظ شده است. در دو طرف دو ستون شبیه به هم قرار دارد که بیانگر صلابت و استواری می‌باشد. دو مستطیل کناری که بیرون زده‌اند و روی آن‌ها ستون قرار گرفتند، عظمت بنا را بیشتر کرده‌اند. ستون‌ها از اشکال مستطیل، مربع، دایره و اشکال کروی ایجاد شده‌اند. این دواپر که به صورت حلقه‌ای در ستون قرار گرفتند، نماد حرکت و زمان می‌باشند و آرامش و تداوم و بی‌پایانی را القا می‌کنند. کتیبه‌ی بالای ورودی که شکل نیم

دایره می‌باشد، در واقع از یک مثلث مخفی تشکیل شده‌اند که ضلع موازی سطح زمین آن ثابت است. بین نقطه‌های گوشه‌ی آن با نوک مثلث کمان‌هایی زده شده است. این نیم دایره بیانگر وفاداری، تعهد و با گذشت بودن است و نشانگر قدرت نیز می‌باشد.

جدول 3: مقایسه مفاهیم نمادین هندسه ورودی در مسجد حکیم و کلیسا وانک. منبع: نگارندگان

شبهات ها	تفاوت ها	اشکال هندسی در ورودی	تصویر ورودی	
1- در هر دو ورودی ستون وجود دارد که نماد ایستادگی و صلابت است. 2- در هر دو از قوس استفاده شده که نماد آرامش و معنویت است.	1- ورودی مسجد حکیم مستطیل عمودی است که نماد نگاه به آسمان و معنویت است. 2- سردرب مسجد حکیم ماوراء انسانی است که نماد عظمت و آخرت است. 3- نمای شهری ورودی مسجد حکیم هم باد است که نماد بی نشانی است. 4- خط آسمان مسجد حکیم صاف است که نماد همسانی و برابری مسجد در شهر است. 5- ابعاد هندسه سطوح نمای مسجد مستطیل یکپارچه است که نماد همسانی و برابری مسلمانان است. 6- هندسه فضایی ورودی مسجد در نمای شهری تو رفته است که نماد مکث می باشد.			مسجد حکیم
	1- نمای ورودی کلیسای وانک ترکیبی از دو مستطیل افقی و عمودی است که قسمت اصلی ورود به کلیسا از یک مستطیل افقی تشکیل شده که نماد زمین و مادیت است. 2- مقیاس هندسی سردرب کلیسا وانک انسانی است که نماد صمیمیت و دنیا است. 3- هندسه نمای شهری کلیسا وانک مرتفع تر است که نماد شهری است. 4- خط آسمان کلیسا وانک شکسته و فراز و فرود دارد که نماد برتری کلیسا بر شهر است. 5- هندسه سطوح نمای کلیسا متغیر است که نماد تفاوت جایگاه مسیحیان است. 6- هندسه ورودی اصلی کلیسا هم سطح نمای شهری است که نماد گذر و حرکت است.			کلیسا وانک

6-2- گنبدخانه: گنبدخانه در کلیه بناها، فضای عبادی اصلی تلقی شده و از داخل دارای تزئینات (اعم از کاشیکاری و نقاشی) فاخر است. وقتی وارد فضای گنبدخانه می‌شویم به آرامش و عدم حرکت بصری نیازمندیم. بنابراین فضای موجود نیز باید دارای خصوصیات همگام با عملکرد خود باشد. زمینه به شکل مربع هم دارای سکون و آرامش است و هم به آرامش دورنی و حضور قلب و راز و نیاز با خداوند کمک میکند. سقف و پوشش نهایی نیز باید شکلی باشد که به وحدت و کمال محیط کمک کند، بنابراین گنبد دایره‌ای برای پاسخگویی به این نیاز شکل مناسبی می‌تواند باشد. گنبدخانه در مساجد که شاه‌نشین مساجد تلقی می‌شود، فضایی وسیع و مرتفع با پوشش گنبد است که مانند شبستان، محل گزاردن نماز است. گنبدخانه در کلیسا همان جایگاه عام است. در بنای کلیسا گنبد، نشانه حضرت عیسی (ع) است (خاکپور و کاتب، 1395: 57).


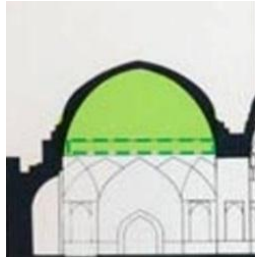


6-2-1- مفاهیم نمادین هندسه گنبد مسجد حکیم

شکل اصلی داخلی این گنبد از دایره گرفته شده که نماد حس حرکت و جنبش است. در این دایره که از تقسیم‌بندی‌های متعددی تشکیل شده، می‌توان مرکزگرایی را حس کرد. با وصل کردن پایه‌های دو تقسیم، مثلث ایجاد می‌شود که نمادی از ایستایی و توازن است. در دایره اصلی، دایره‌های دیگری محاط شده است که بیانگر حس تواضع و فروتنی است. فرم بیرونی گنبد کروی است. فرم کروی در اکثر فضاهای مذهبی به صورت گنبد نمود پیدا کرده و با قابلیت فرمی و بار معنایی مذهبی‌اش جزئی لاینفک از معماری بناهای مذهبی به صورت نمادی کاملاً مذهبی تبدیل شده است (سعیدیان و همکاران، 1390: 64). قبل از شروع این فرم، یک مستطیل افقی قرار دارد که نمادی از استحکام و یکپارچگی می‌باشد. این گنبد مازهدار است و به صورت یک پوسته قرار گرفته است. نگاره‌های به‌کار رفته در مسجد حکیم، ستاره هشت پر و چلیپا هستند که این بار نه به صورت مجرد بلکه با هم‌نشینی در کنار هم و در معقلی زیر گنبد به‌کار رفت اند. این هم‌نشینی می‌تواند نمادی از بهشت، نظم، تعادل و هماهنگی، وحدت، آرامش و نقطه مقابل ظلمت باشد (طهوری، 1391: 37).

6-2-2- مفاهیم نمادین هندسه گنبد کلیسا وانک

شکل اصلی این گنبد مانند گنبد مسجد حکیم، دایره است که نمادی از حرکت و جنبش می‌باشد. دایره‌ها همه مرکزگرا می‌باشند که نمادی از درونگرایی است. مانند فضای داخلی گنبد مسجد از دایره اصلی افست گرفته شده است با این تفاوت که در آن پنجره‌های قوسی شکل که القاکننده‌ی آرامش هستند، قرار دارد. در گنبد کلیسا، 6 ضلعی‌های نیمه و کامل حول محور دایره قرار گرفتند که نمادی از عالم طبیعت و تعداد ایام خلق عالم هستی می‌باشند. گنبدخانه با وجود دعوت کنندگی فضایی، رخصت ورود را به عبادت‌کنندگان نمی‌دهد و تنها افراد خاصی امکان حضور در آن را دارند (رحیمی‌آریایی و همکاران، 1394: 12). فرم گنبد در دید بیرونی بر پایه دایره است که نمادی از حرکت می‌باشد. گنبد نوک تیز است و ساقه‌ی آن روی کلاف طاق‌ها قرار گرفته است. این گنبد مازهدار و به صورت دو پوسته گسسته است که نمادی از استحکام و قدرت و بر پایه مربع می‌باشد (خاکپور و کاتب، 1395: 60).

جدول 4: مقایسه مفاهیم نمادین هندسه گنبد در مسجد حکیم و کلیسا وانک. منبع: نگارندگان

شبهات ها	تفاوت ها	اشکال هندسی در گنبد	تصویر گنبد	
<p>1- هر دو گنبد از نوع مازه دار می باشد</p> <p>2- در هر دو از قوس استفاده شده است که القا کننده آرامش می باشد.</p> <p>3- پایه اصلی در هر دو مربع است که نماد اتحاد و یکپارچگی می باشد.</p>	<p>1- گنبد یک پوسته دارد که خیز آن نسبت به کلیسا کمتر است و ماورایی تر است.</p>			مسجد حکیم
	<p>1- گنبدی دو پوسته دارد که نماد صلابت و استواری است. خیز آن نسبت به مسجد بیشتر است که ماورایی تر است و نمایانگر اوج گرفتن مسیح به بالاست.</p>			کلیسا وانک

3-6- محراب: از دیدگاه بوركهارت آیین جهت یابی، جهان شمول است و در تمامی تمدن ها معمول بوده است (بوركهارت، 1390). محراب در مساجد، تداعی کننده کانونی مقدس نیست و تنها برای نشان دادن قبله و جایگاه فیزیکی امام جماعتی است که پیشاپیش صف مؤمنان به نماز می ایستد. این عنصر، راهنمای مسلمانان برای ستایش خالق است که سمبلی واحد در نقطه ای مقدس به نام کعبه دارد و از آن سو مهم محترم شمرده می شود که جهت دهنده نمازگزار به سوی مقدس ترین مکان است. محراب مسجد، عبوری روحانی از دروازه ای معنوی به واسطه نمازگزاردن در این فضا است. جایگاه سرودخوانان در کلیسا، محوطه مقدسی است که محراب را در میان گرفته و نمازگاه مانند راهی است که از جهان بیرونی به سوی مکان مقدس محراب می رسد. با تدقیق در این روند سلسله مراتب تقرب تدریجی به جایگاه مقدس یا محراب کلیسا یافت می شود (خاکپور و کاتب، 1395: 55).



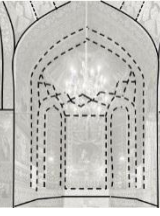

3-6-1- مفاهیم نمادین هندسه محراب مسجد حکیم

محراب این مسجد از قوس 7 کوه گرفته شده است که نمادی از فرهنگ و هنر اسلامی می باشد. در محراب مقرنس به کار رفته است که یکی از ویژگی های نقش های هندسی می باشد. محراب این مسجد به صورت سه ضلعی باز است که عددی فرد می باشد. این تزیینات براساس اصول معماری ایرانی، پیرو اصل پرهیز از بهبودگی و مردم واری می باشد. هندسه اجزاء محراب به دور یک نقطه مرکزی شکل گرفتند و نمادی از سیر وحدت و کثرت می باشند (حاتمی بیگلری و همکاران، 1394: 6). نقوش حکاکی شده در شش ضلعی جای می گیرند و بر دو دایره که در هر شش ضلعی رسم می شوند، منطبق هستند. این دایره ها همچنین فاصله بین دو ردیف شش ضلعی ها را تنظیم می کنند و نمادی از حرکت و جنبش می باشند. شش ضلعی های محاط شده در دایره نماد درونگرایی می باشد و عدد شش در فرهنگ اسلامی تعداد ایام خلق کل عالم هستی است و نماد عالم طبیعت است. مثلث هایی که در شش ضلعی بر روی قاعده خود قرار دارند، نمادی از ایستایی و توازن می باشند.

3-6-2- مفاهیم نمادین هندسه محراب کلیسا وانک

محراب این کلیسا به صورت 5 ضلعی باز است و عددی فرد می باشد و نماد بی کرانگی و قدرت و کمال است. محراب در زیر گنبدخانه قرار گرفته است که محل قرارگیری آن، نماد بن مایه های دینی ادیان است. جای گیری این محراب در مشرق است و نماد اعتقاد به ظهور مسیح از شرق است. تاق محراب قوسی است و القا کننده آرامش می باشد و در 4 طرف قرار گرفته که بیانگر حس درونگرایی می باشد. در وسط تیزه قوس پنجره قوسی دیگری قرار گرفته است که بیانگر روشنایی می باشد.

جدول 5: مقایسه مفاهیم نمادین هندسه محراب در مسجد حکیم و کلیسا وانک. منبع: نگارندگان

شبهات ها	تفاوت ها	اشکال هندسی در محراب	تصویر محراب	
در هر دو از قوس استفاده شده که القا کننده آرامش می باشد.	1- این محراب به صورت سه ضلعی باز است که نماد طبیعت سه گانه جهان است 2- ارتفاع آن نسبت به کلیسا کمتر است و پیونددهنده ساحت معنای باطنی و مکتوم با قسم معلوم، صعود به بالا و عروج به طبقات آسمانی است 3- توجه نمازگزاران به خدا است و به دنیا و ماده نیست.			مسجد حکیم
	1- این محراب به صورت 5 ضلعی باز است که نماد بی کرانگی و قدرت و کمال است 2- ارتفاع آن نسبت به مسجد بیشتر است که نماد قداست و حاکمیت و تمرکز بیشتر مومنین است و اوج گرفتن مسیح به بالا می باشد . 3- توجه نمازگزاران به شمایل و افراد است و به انسان و ماده نیست .			کلیسا وانک

4-6 ناقوس و مأذنه: ناقوس خانه (زنگادون) و مأذنه، کارکردی نسبتاً مشابه دارند. تزئینات ناقوس خانه عموماً کاشیکاری و تزئینات مأذنه، کاشیکاری با مقرنس‌های چوبی بر پایه‌ها است. برج ناقوس یا ناقوس خانه فضایی است که به ناقوس کلیسا (زانگ) اختصاص دارد. مقطع آن مربع بوده و بام آن هرمی به شکل هفت یا هشت- گوش است که در انتهای آن صلیبی قرار گرفته است. مأذنه در مساجد، اتاکی بر فراز ایوان که محل اذان و دعوت به نماز است.

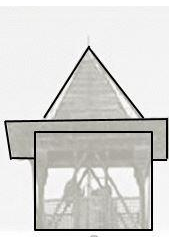



4-6-1 مفاهیم نمادین هندسه مأذنه مسجد حکیم

مأذنه مسجد حکیم بر روی پایه ای مربع شکل قرار گرفته که نماد یکپارچگی می باشد. این مأذنه به صورت تیزه‌دار بر پایه‌ی مربع است که نمادی از زمین و آسمان می باشد. شکل پایه‌ی اصلی آن مربع است که نماد کلیت و یکپارچگی می باشد. این مربع ارتفاع پیدا کرده است که این خود نمادی از صلابت و استواری می باشد. قسمت بالای مأذنه، شکل مثلث است که نمادی از ایستایی و توازن، کوه و استواری می باشد.

4-6-2 مفاهیم نمادین هندسه ناقوس کلیسا وانک

پایه‌ی اصلی برج ناقوس کلیسا وانک بر پایه مربع است که نشانی از استواری و نمادی از زمین و آسمان می باشد. این برج در اندام مجموعه، شمایی کلیساوار به بنا بخشیده و آن را از سایر بناهای محوطه متمایز ساخته‌اند که این خود نمادی از حس استقلال می باشد (رحیمی آریایی و همکاران، 1394: 12). در این برج از قوس هم استفاده شده که القاکننده‌ی آرامش می باشد. در نوک برج چندین مثلث حول یک نقطه دوران پیدا کرده‌اند که نمادی از درونگرایی می باشد. دوران این مثلث‌ها باعث به وجود آمدن یک شش‌ضلعی شده است که خود شش‌ضلعی نماد عالم طبیعت است و خود این مثلث‌ها نماد ایستایی و توازن است.

جدول 6: مقایسه مفاهیم نمادین هندسه مأذنه و ناقوس در مسجد حکیم و کلیسا وانک. منبع: نگارندگان

شبهات ها	تفاوت ها	اشکال هندسی در مأذنه و برج ناقوس	تصویر مأذنه و برج ناقوس	
پایه اصلی مأذنه و برج ناقوس هر دو مکعب می باشد که نشانی از استواری و نمادی از زمین و آسمان است.	1- مکعب پایه بر 4 ستون بنا شده (سبک تر و تهی تر است) و فضای بیشتری ایجاد کرده به دلیل قرار گرفتن مؤذن برای گفتن اذان . 2- در بالای مکعب اصلی هرم بر قاعده چهار وجهی قرار دارد که نماد ایستادگی و اتحاد است . و 4 جهت اصلی که هت قبله			مسجد حکیم
	1- مکعب پایه برج ناقوس با قوس خالی شده که القا کننده آرامش است و فضای کمتری را ایجاد کرده است . 2- در بالای مکعب اصلی هرم بر قاعده چند وجهی قرار دارد که فرم آن را به مخروط نزدیکتر کرده است که نماد حرکت و عروج مسیح به سمت بالا می باشد .			کلیسا وانک

5-6 هندسه پلان: داشتن نظم هندسی مشخص باعث انسجام اجزاء بنا با کل بنا می گردد. با رعایت هندسه‌ای منطقی در نقشه بنا، می توان هیأت و حجم کلی بنا را بهتر درک کرد. این هندسه همواره شبکه‌ای ملموس و قابل رؤیت نبوده، بلکه نظامی است که وظیفه‌ی تنظیم و کنترل فضاهای مختلف را در یک دستگاه واحد دارد. یکی از انواع چندضلعی‌های هندسه پلان که در معماری کاربرد ویژه‌ای دارد و بیشتر استفاده شده است، مستطیل می باشد. مربع نیز زیرمجموعه‌ای از

مستطیل است که در بسیاری از بناها به کار برده شده است. معماری سنتی را می‌توان به مثابه گسترش مایه بنیادی تبدیل دایره به مربع از طریق مثلث یه‌شمار آورد. مربع منسجم‌ترین صورت خلقت، در حد زمین و نماینده کمیت است. حال آن که دایره در حد آسمان و نماینده یفیت است. این دو از طریق مثلث که متمم هر دو جنبه است، ادغام می‌شوند (سیلواویه و همکاران، 1391: 57).

6-5-1- مفاهیم نمادین هندسه پلان مسجد حکیم

هندسه کلی پلان مسجد حکیم بر پایه مستطیل است که مانند مربع 4 ضلع مساوی دارد و نمادی از اتحاد و یکپارچگی می‌باشد. در داخل مستطیل مرکزی وسط دو مستطیل دیگر نیز قرار گرفته است و یک مربع در بین آن‌ها که نماد اتحاد و یکپارچگی است. مربع منسجم‌ترین صورت خلقت در حد زمین، نماینده کمیت است.

در هندسه فضاهای مسجد اشکال دایره و مستطیل و مربع هم به چشم می‌خورد که مربع و مستطیل نماد اتحاد و یکپارچگی هستند و دایره در حد آسمان نماد کیفیت است و این فرم در ساختار گنبد و حوض خانه به کار گرفته شده. (اردلان، 1388، به نقل از سیلواویه و دیگران، 1392، ص 57). مثلث‌هایی هم در دور فضاهای مستطیل شکل قرار گرفتند که نماد ایستادگی و توازن می‌باشند (سعیدیان و همکاران، 1390: 64).

6-5-2- مفاهیم نمادین هندسه پلان کلیسا وانک

پلان کلیسای وانک از قسمت‌های مختلفی تشکیل شده است. شکل اصلی این پلان مربع است که نماد کلیت و یکپارچگی می‌باشد. شکل‌های به کاررفته در بعضی قسمت‌ها با هم ترکیب شدند که نمادی از حس وحدت است و در بعضی قسمت‌ها جدا به کار رفته اند که نمادی از حس استقلال می‌باشند مهم‌ترین بخش این پلان که هندسه ای متفاوت تر از بقیه دارد، قسمت غرب جایگاه عوام (صحن) و بزرگترین فضای کلیسا می‌باشد (رحیمی‌آریایی و همکاران، 1394: 9)، به صورت ترکیبی از مستطیل، مربع و دایره است. دو مستطیل که ابتدا یکدیگر را هم‌پوشانی کرده‌اند نمادی از کمال و تمامیت است. سطحی از اشتراک این دو مستطیل به صورت مربع قرار دارد که نمادی از مردانگی می‌باشد. دایره محاط شده در مربع نمادی از کمال انسانی و رشد او از درون است. در قسمت شرق جایگاه عوام، جایگاه روحانیون قرار دارد که این جایگاه کمی کوچکتر از جایگاه عوام است و از مستطیل و دایره تشکیل شده است. با این تفاوت که دایره‌ی موجود از اشتراک مماس دو مستطیل به وجود آمده است. این دو جایگاه از طریق مستطیل کوچک و کشیده‌ای به هم وصل شده‌اند که این ارتباط خود نمادی از اتحاد است. این پلان دارای بافت نسبتاً متراکم است که نمادی از پیوستگی می‌باشد. دسترسی به حیاط از هر طرف می‌تواند نمادی از صمیمیت باشد. حرکت از محوطه به محراب و کلیسا خود نمادی از برون‌گرایی و درون‌گرایی است. جهت‌گیری شرقی- غربی کلیسا را می‌توان به ریشه‌های اعتقادی مسیحیان که شرق را نمادی از خدا و مسیح و غرب را نمادی از انسان می‌دانند، نسبت داد.

جدول 7: مقایسه مفاهیم نمادین هندسه پلان در مسجد حکیم و کلیسا وانک. منبع: نگارندگان

تصویر پلان	اشکال هندسی پلان	تفاوت‌ها	شباهت‌ها
		<p>1- پلان مسجد دارای فضای خالی به اسم حیاط مرکزی است که از لحاظ هندسی دارای ابعاد قابل توجه است و بخش اعظم فضا را به حیاط اختصاص می‌دهد که در آن آیین‌های مذهبی انجام می‌شود.</p> <p>2- هندسه مستطیل کشیده که تاکید روی جهت قبله دارد برای فضای حیاط و توخالی تعریف شده است و اندازه آن نسبت به محراب بزرگتر است.</p>	<p>1- شکل اصلی پلان در هر دو مستطیل است که نماد استحکام و پایداری می‌باشد.</p> <p>2- در فضای داخلی هر دو شکل مربع و مستطیل که نماد اتحاد و یکپارچگی است و دایره که نماد حرکت است وجود دارد.</p>
		<p>1- در کلیسا فضای باز و خالی نداریم و کل شکل زمین اختصاص به فضای بسته پرستشگاه دارد.</p> <p>2- کشیدگی هندسه فضای توپر به صورت مستطیلی تاکید روی جهت محراب دارد و بیشترین بخش فضا سرپوشیده را محراب تشکیل می‌دهد.</p>	<p>3- بافت پلان متراکم است که نمادی از پیوستگی می‌باشد.</p>

6-6- هندسه نما: در طراحی نمای معماری، طبیعت از نظم به دلیل ماهیت معماری معمولاً اتفاق می‌افتد. ولی باید در نظر داشت تبعیت عالمانه از این نظم در مسیر دسترسی به تعادل بصری صورت گیرد (سیلواویه و همکاران، 1391: 57). از جمله مباحثی که در ارتباط با نما می‌توان به آن اشاره کرد، تعادل و ریتم است. تعادل از دیرباز ابزار طراحی مهمی در معماری و علم طراحی بوده است. ساده‌ترین شکل تعادل، تقارن است که در آن یک وجه ترکیب عین وجه دیگر است. آنگاه تعادل به ریتم می‌رسد که شیء در امتداد یک خط تکرار شود یا حول یک نقطه دوران یابد (حاتمی بیگلری و هاتفی شجاع، 1394: 5).

6-1- مفاهیم نمادین هندسه نما مسجد حکیم

شکل کلی این نما مستطیل است که نماد کلیت و یکپارچگی می‌باشد. این مستطیل خود به مستطیل‌های کوچکتری تبدیل شده است که در طرفین قرار دارند و شبیه به هم می‌باشند و به صورت افقی قرار گرفتند که این خود نمادی از آرامش و تعادل است. مستطیل دیگری به صورت عمودی در وسط قرار گرفته که نمادی از حس استقلال و آماده بودن است. تقارن موجود در این نما، نمادی از نظم و کمال می‌باشد. این نما از قوس‌های متعددی تشکیل شده است که القاکننده آرامش می‌باشند. بزرگترین قوس موجود در این نما در یک مستطیل عمودی وسط محاط شده که این نمادی از صلابت و استواری و کامل بودن می‌باشد. توخالی شدن بعضی قوس‌ها در این نما، نمادی از حس آزادی می‌باشد. تورفتگی قوس بزرگ نما، نمادی از حس خضوع و توازن و بلند بودن صفحه مستطیل شکل وسط نیز، نمادی از صلابت، استقامت و استواری است.

6-2- مفاهیم نمادین هندسه نما کلیسا وانک

در این نما، شکل اصلی مستطیل می‌باشد که به مربع‌های کوچکتری تجزیه شده است. هر دو شکل که 4 ضلع دارند، نمادی از کمال و یکپارچگی می‌باشند. تقارن و توازن نیز در این نما دیده می‌شود که نمادی از حس نظم و یکپارچگی می‌باشد. نمای ضلع شمالی دارای دو دهانه‌ی ورودی با قوس جناغی، منتهی به ورودی شمالی کلیسا می‌باشد که این قوس هم القاکننده آرامش است و هم بنا را در برابر نیروهای وارده مقاوم می‌کند. در طرفین دو دهانه ورودی، سه پنجره با قوس نیم دایره (ایلامی/ رومی) بنا شده که در بالای پنجره میانی پنجره‌ای با طرح ستاره شش‌پر نصب گردیده است. تکرار عناصر موجود در نما، نمادی از پابندی بودن به اصول ادیان توحیدی است.

جدول 8: مقایسه مفاهیم نمادین هندسه نما در مسجد حکیم و کلیسا وانک. منبع: نگارندگان

شبهات ها	تفاوت ها	اشکال هندسی در نما	تصویر نما	
1- شکل اصلی در هر دو مستطیل است. 2- تقارن در هر دو شکل حفظ شده است. 3- در هر دو نما از قوس استفاده شده است که القا کننده آرامش می باشد.	1- مستطیل اصلی در مسجد کشیده تر است که دلیل آن زیاد بودن تعداد صف از لحاظ طولی است.			مسجد حکیم
	1- مستطیل اصلی کشیدگی کمتری نسبت به مسجد دارد و دلیل آن این است که اندازه صف از نظر عرضی بیشتر است.			کلیسا وانک

7- نتیجه‌گیری

هندسه در معماری ایرانی باعث انسجام و ایجاد یک کلیت می‌شود و شاخص مهمی در تبلور معنا را در صورت متبلور می‌کند و یکی از شاخصه‌های هویت‌بخشی به بناهاست. با توجه به بررسی‌های صورت گرفته، می‌توان نتیجه گرفت که ساختار هندسه به کار رفته در کالبد پرستشگاه‌ها (مسجد و کلیسا) بیانگر مفاهیم نمادین و ارزش‌های اسلام و مسیحیت می‌باشد.

براساس تحلیل انجام شده در زمینه تفاوت‌های ماهوی منبعث از میانی ادیان مسیحیت و اسلام، می‌توان نتیجه گرفت که مشابهت‌های معماری بناهای عبادی، حکایت از تأثیر فراوان الگوی ایرانی- اسلامی به درونی‌ترین لایه‌ی مذهبی ارمانه ایران در دوره صفویه دارد. به طوری که علیرغم تفاوت در شکل و جهت پلان، دسترسی‌ها و محل قرارگیری محراب که از بن‌مایه‌های دینی این ادیان است، تشابه در هندسه گنبد، مأذنه، محراب، طاق و قوس و تزئینات نشان از همگرایی قومی- مذهبی بین ارمانه و مسلمانان در ایجاد بناهایی هماهنگ در پایتخت عهد صفویه دارد.

در حال حاضر هندسه به کار رفته در دو اثر تاریخی ارزشمند (مسجد حکیم- کلیسا وانک) مربوط به یک دوره تاریخی (صفویه) و یک پهنه جغرافیایی (اصفهان) هستند، علی‌رغم اینکه تفاوت‌های چشمگیری در آن دیده می‌شود، شباهت‌هایی دارند که مورد بررسی قرار گرفت و در این مقایسه دریافتیم که شباهت‌های به کار رفته در هندسه عناصر این دو بنا بسیار بیشتر از تفاوت‌های آن‌ها می‌باشد و این به دلیل دو علت اولیه (قرارگیری مکانی و زمانی) می‌باشد.

در انتها ملاحظه گردید که تفاوت‌هایی هم که وجود داشته، ناشی از تفاوت در معنا و مفهوم، اسلام و مسیحیت است و تفاوت و تشابه هندسه به کار رفته در عناصر کالبدی مشترک (ورودی، گنبدخانه، محراب، برج ناقوس و مأذنه، پلان، نما) ناظر بر تفاوت و تشابه نگاه اسلام و مسیحیت می‌باشد.

منابع:

1. ابوذری، م. (۱۳۸۰)، آشنایی با میراث فرهنگی هنری ایران، تهران، انتشارات سازمان پژوهش فرهنگی.
2. اخوت، هانیه؛ انصاری، مجتبی؛ بمانیان، محمدرضا. 1387. تجلی حکمت اسلامی و حکمت مسیحیت بر هندسه مساجد و کلیساها، کتاب ماه هنر، شماره 124، صفحه 14-19.
3. الیاده، میرچا. 1393، مقدس و نامقدس، ترجمه نصرالله زنگویی، تهران، انتشارات سروش.
4. بمانیان، محمدرضا؛ نیکودل، فهیمه. 1393، بررسی انواع نورگیری و روش‌های تأمین نور در مساجد دوره قاجار تهران، نشریه پژوهش‌های معماری اسلامی، شماره 3، ص 61.
5. بمانیان، محمدرضا؛ اخوت، هانیه؛ بقایی، پرهام. 1389. کاربرد هندسه و تناسب در معماری، انتشارات هله/طحان، تهران.
6. بورکها، تیتوس. 1390. مبانی هنر مسیحی، ترجمه امیر نصری، انتشارات حکمت، 144 صفحه.
7. پوراحمدی، مجتبی. 1389. هندسه در گنبد آرامگاه شیخ زاهد گیلانی: الگویی برای طراحی گنبد در کرانه جنوبی دریای خزر، نشریه هنرهای زیبا، دوره 2، شماره 43، ص 83-92.
8. پورجعفر، محمدرضا؛ شریف شهیدی، محمد. 1388. معماری کلیسا، انتشارات سیمای دانش، 168 صفحه.
9. پهلوان‌زاده، لیلان. 1391. چگونگی شکل‌گیری مساجد و تفاوت‌های کالبدی آن با عبادت‌گاه‌های سایر ادیان، کنیساها و کلیساها، نشریه جغرافیا و برنامه‌ریزی منطقه‌ای، دوره 2، شماره 2، ص 7-30.
10. تقوایی، ع؛ معروفی، س. 1389، ارزیابی نقش مساجد در ارتقاء کیفیت محیط، مطالعه موردی: مسجد امام تهران، نشریه مدیریت شهری، شماره 25، صفحه 219-234.
11. حاتمی بیگلری، مانده؛ هاتفی شجاع، سمیه. 1394، بازشناسی مفاهیم هندسی در مساجد نمونه موردی مسجد حکیم اصفهان، مجموعه مقالات دومین کنگره بین‌المللی افق‌های جدید در معماری و شهرسازی - تهران ص 1 تا 12.
12. حجازی، مهرداد. 1387، هندسه مقدس در طبیعت و معماری ایرانی، مجله تاریخ علم، شماره 7، ص 15-36.
13. حق نظریان، آرمن. 1385. کلیساهای آرامنه جلفای نو اصفهان. ترجمه نارسیس سهرابی ملا یوسف. تهران، انتشارات فرهنگستان هنر.
14. حمزه‌نژاد، م؛ عربی، م. 1393، بررسی اصالت اسلامی ایرانی در مساجد نوگرای معاصر، مطالعه موردی: طرح مسجد چهارراه ولی عصر (عج) تهران، فصلنامه مطالعات ایرانی اسلامی، شماره 15، صفحه 47-61.
15. حمزه‌نژاد، مهدی؛ رهروی پوده، ساناز. 1395. گونه‌شناسی مفهومی پرستشگاه‌های یهودیان، مسیحیان و مسلمانان در دوره صفویه اصفهان (براساس ویژگی‌های قدسی تنزیه، تشبیه، جمال و جلال)، نشریه پژوهش‌های معماری اسلامی اسلامی، سال 4، شماره 11، ص 19-38.
16. حمزه‌نژاد، مهدی؛ نقره‌کار، عبدالحمید؛ خراسانی‌مقدم، صبا. 1392. گونه‌شناسی مفهومی ورودی مساجد در ایران با استفاده از مفاهیم قدسی، نشریه پژوهش‌های معماری اسلامی، سال 1، شماره 1، ص 77-102.
17. خاکپور، مینو؛ کاتب، فاطمه. 1395، بررسی تطبیقی معماری دینی در مسیحیت و اسلام با نقد نظریات تیتوس و بورکهارت نمونه موردی اصفهان، نشریه منظر، سال 14، شماره 50، ص 53-64.
18. خوارزمی، مهسا؛ افهمی، رضا. 1389. هندسه کاربردی در تزئینات آثار معماری ایران قبل از اسلام، کتاب ماه علوم و فنون، دوره 2، شماره 129، ص 8-13.
19. ذکرگو، ا.ح. ۱۳۸۰، سیر هنر در تاریخ، تهران، سازمان پژوهش فرهنگی.
20. رحیمی آریایی، افروز؛ عزیزپور، شادابه؛ اعتضادی، زهرا السادات. 1394، ارزیابی معماری کلیسا و انک اصفهان در مجموعه آمنا پرگیچ، کنفرانس بین‌المللی پژوهش در مهندسی، علوم و تکنولوژی، صفحه 1 تا 14.
21. رضازاده اردبیلی، مجتبی؛ ثابت‌فرد، مجتبی. 1392، بازشناسی کاربرد اصول هندسی در معماری سنتی مطالعه موردی: قصر خورشید و هندسه پنهان آن، نشریه هنرهای زیبا، دوره 18، شماره 1، صفحه 1-44.
22. زدانی، مجید؛ داودی مقدم، فاطمه؛ رمزی، بهاره. ۱۳۹۳، مقایسه تطبیقی کاربرد نور در مساجد و کلیساهای گوتیکی نمونه موردی: مسجد نصیرالملک شیراز و کلیسای نوتردام پاریس، همایش ملی معماری، شهرسازی و توسعه پایدار با محوریت خوانش هویت ایرانی اسلامی در معماری و شهرسازی، مشهد، موسسه آموزش عالی خاوران.
23. زمرشیدی، حسین. 1390، تحول خط بنایی در معماری صفویه با تأکید بر تزئینات کتیبه‌های مسجد حکیم اصفهان، فصلنامه علمی پژوهشی مطالعات هنر اسلامی، شماره 14، صفحه 101-118.
24. سعادت‌جو، س؛ حمزه‌نژاد، م؛ نقره‌کار، ع. 1392، تحلیلی بر سیر تحول مفاهیم و الگوی کالبدی مساجد در دوره‌های چهارگانه معماری ایرانی، فصلنامه مطالعات ایرانی اسلامی، شماره 13، صفحه 15-30.
25. سعیدیان، امین؛ قلی، مجتبی؛ زمانی، احسان؛ انصاری، مجتبی. 1390، بازشناخت چگونگی شکل‌گیری گنبد اورچین (باتاکیید بر ساختار هندسی و معماری، فصلنامه مطالعات شهر ایرانی - اسلامی، شماره پنجم، ص 47-65.
26. سیلویاه، سونیا؛ دانشجو، خسرو؛ فرمهین‌فراهانی، سعید. 1392. هندسه در معماری پیش از اسلام و تجلی آن در معماری معاصر، نشریه نقش جهان، دوره 3، شماره 1، ص 55-66.
27. شهبازی، شیران؛ مستعلی‌زاده، مریم؛ پروین، صمد. 1396، بررسی جامع مساجد عصر صفوی، کنگره بین‌المللی عمران، معماری، شهرسازی معاصر جهان، ص 1 تا 13.

28. صارمی، ح؛ خدابخشی، س؛ خلاق دوست، م. 1395، بررسی تطبیق و جهت‌گیری شبستان در مساجد سنتی و معاصر، فصلنامه مطالعات شهر ایرانی اسلامی، شماره 24، صفحه 65-84.
29. طبسی، محسن؛ فاضل‌نسب، فهیمه. 1391. بازشناسی نقش و تأثیر جریان‌های فکری عصر صفوی در شکل‌گیری ورودی مساجد مکتب اصفهان، نشریه هنرهای زیبا، شماره 51، ص 81-90.
30. طهوری، نیر. 1391، ملکوت‌آینه‌ها. مجموعه مقالات در حکمت هنر اسلامی، تهران: شرکت انتشارات علمی و فرهنگی.
31. فتحی‌آذر، سحر؛ حمزه‌نژاد، مهدی. 1393. معناشناسی محور در مسجد و کلیسا، نشریه مطالعات شهر ایرانی اسلامی، دوره 5، شماره 17، ص 53-62.
32. قراگوزلو، بهاره؛ حاتم، غلامعلی. 1393. بررسی رمز نقوش هندسی دایره، مثلث و مربع در هنر اسلامی، نشریه نقش‌مایه، دوره 8، شماره 21، ص 45-50.
33. قوچانی، محیا. 1396. بررسی نقش نماد در معنا آفرینی کالبد معماری ایرانی، اولین کنفرانس ملی نماد شناسی در هنر ایران با محوریت هنرهای بومی، دانشگاه بجنورد.
34. محمدی، علی؛ عسگری، فاطمه. 1394، مقایسه معماری و هنر اسلامی با معماری و هنر مسیحیت با تأکید بر مسجد و کلیسا، همایش ملی معماری و شهرسازی بومی ایران، یزد، مؤسسه معماری و شهرسازی سفیران مهرازی، دانشگاه علم و هنر یزد.
35. محمدیان‌منصور، ص. 1386، سلسله‌مراتب محرمیت در مساجد ایرانی، نشریه هنرهای زیبا، شماره 29، صفحه 59-68.
36. معتمدی‌شفیق، ش؛ ذوالفقارزاده، ح. 1394، بررسی جایگاه نیایش در معماری گذشته و معاصر ایران، اولین کنفرانس تخصصی معماری و شهرسازی ایران، مؤسسه عالی علوم و فناوری خوارزمی شیراز.
37. مولوی، بهزاد؛ قاسم‌زاده، مسعود. 1381 بررسی کاربرد هندسه در معماری گذشته ایران (دوره اسلامی). تهران: مرکز تحقیقات ساختمان و مسکن.
38. مهدوی‌نژاد، محمدجواد؛ ناگهانی، نوشین. 1390، تجلی مفهوم حرکت در معماری معاصر ایران، فصلنامه علمی پژوهشی مطالعات شهر ایرانی اسلامی، شماره 3، ص 29-34.
39. مهدی‌زاده سراج، فاطمه؛ فخاری تهرانی، فرهاد؛ ولی‌بیگ، نیما. 1390. به‌کارگیری مثلث‌های هنجار در محاسبات ریاضی و پیاده‌سازی هندسه در ساخت و اجرای معماری سنتی ایران، نشریه مرمت و معماری ایران، دوره 1، شماره 1، ص 15-26.
40. هویان، آندرانیک. 1383. کلیساهای مسیحیان در ایران زمین، انتشارات دستان.

- 1) Abdullahi, Y. Rashid BinEmbi, M. 2013, Evolution of Islamic geometric patterns, Faculty of Built Environment, Universiti Teknologi Malaysia, Johor 81310, Malaysia.
- 2) Akkach, S. 2005, Cosmology and Architecture in Premodern Islam, State University of New York Press, New York.
- 3) Alice Sabrina, I., Mohd, T. and Mohd, R. 2010, Mosque architecture and political agenda in twentieth-century Malaysia, The Journal of Architecture, Volume 15, Issue 2, Pages 137-152.
- 4) Boussora, K. & Mazouz, S. 2004, The use of the Golden Section in the Great Mosque at Kairouan. Nexus Network Journal, 6(1): 7-16.
- 5) Daneshmir, R. & Spiridonoff, C. 2012, Vali-e Asr Mosque, Fluid Motion Architects, (Accessed in 2012-05-29).
- 6) Verkaaik, O. 2012, Designing the 'anti-mosque': identity, religion and affect in contemporary European mosque design, Social Anthropology, 20(2): 161-176
- 7) Wiryomartono, B. 2009, A Historical View of Mosque Architecture in Indonesia, The Asia Pacific Journal of Anthropology, 10(1): 33-45.